

مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال آمریکا، بریتانیا، چین و روسیه*

معصومه زمانیان^۱، سیدمهدی شریفی^۲، محمدحسن شیخ‌الاسلامی^۳، عباس نرگسیان^۴

چکیده

استفاده از شبکه‌های اجتماعی در امور دیپلماتیک یکی از رایج‌ترین عرصه‌های پیوند دیپلماسی و فناوری است که به نام دیپلماسی دیجیتال شناخته می‌شود. هدف از مقاله حاضر مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال آمریکا و بریتانیا (حافظان نظم لیبرال) و چین و روسیه (تجدیدنظرطلب) و دستیابی به نقاط اشتراک و افتراق آن‌هاست. چارچوب نظری حاکم بر این پژوهش، سازه‌انگاری است و از روش تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این پژوهش، از نظر جهت‌گیری کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی است. جامعه تحقیق، مجموعه اسناد منتشر شده مرتبط با دیپلماسی دیجیتال کشورهای مورد مطالعه است. نمونه تحقیق، متشکل از ۲۰ مقاله علمی-پژوهشی، ۵ مقاله اینترنتی، ۲ سند دولتی و ۱ مصاحبه منتشرشده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ است که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد مقابله با هژمونی آمریکا، ایجاد تمایز شناختی با غرب، نمایش هویت مستقل از غرب و اقتدارگرایی دیجیتال، چهار مؤلفه هویتی مشترک دیپلماسی دیجیتال چین و روسیه هستند. در حالی که آمریکا و بریتانیا به دنبال ترویج گفتمان آزادی اینترنت و ارزش‌های ادعایی لیبرال هستند. هر چهار کشور دارای کارگزاران تکنوفیل (دوست‌دار فناوری) بوده و از دیپلماسی دیجیتال برای ترویج گفتمان خود، تضعیف رقبا و مدیریت فضای اطلاعاتی استفاده می‌کنند. چین، بریتانیا و آمریکا دارای ساختار مناسب برای پذیرش و به کارگیری فناوری هستند.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی دیجیتال، آمریکا، بریتانیا، چین، روسیه، هویت، ساختار.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با نویسندگی نویسنده اول، راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره سایر نویسندگان است.

۱. دانشجوی دکترای مدیریت رسانه، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. sahrazamian@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). sharifee@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران. mhsheikh@gmail.com

۴. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران، ایران. anargesian@ut.ac.ir

DOI: 10.22034/IMRL.2022.353055.1135

مقدمه

ادعای بزرگی نیست اگر بگوییم فراتر از ابعاد ارتباطی، سبک زندگی ما در هزاره سوم تحت تأثیر فضا و رسانه‌های دیجیتال متحول شده است. سیاست خارجی و دیپلماسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در سایه انقلاب‌های ارتباطی و اطلاعاتی، پویایی کار دیپلمات‌ها با توجه به گردش سریع اطلاعات، حضور هم‌تایان در فضای مجازی و دسترسی وسیع به اطلاعات هر روز افزایش می‌یابد. رسانه‌های اجتماعی به بستری برای تعامل رهبران سیاسی، سیاست‌مداران و دیپلمات‌ها با هم‌تایان تبدیل شده است (Lemke and Habegger, 2020).

«فناوری ارتباطات و اطلاعات»^۱ جایگاه بالایی در نظریه‌های روابط بین‌الملل کسب کرده‌اند. امروزه، فناوری اطلاعات و ارتباطات اغلب نقشی محوری در تغییر نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. رسانه‌های جدید با تغییر ظرفیت تعامل، کنترل سیاسی را برای بازیگران سیاسی که در گذشته جایگاه تثبیت شده‌ای داشتند، دشوار می‌سازند و فرصت‌های جدیدی برای ظهور و اعمال نفوذ بازیگران متعدد و متنوع باز می‌کنند. به‌طور ضمنی، فناوری اطلاعات و ارتباطات بر پویایی قدرت بین‌المللی تأثیر می‌گذارد و توزیع قدرت و زمینه اعمال قدرت را تقویت می‌کند، فرسایش و یا تغییر می‌دهد (Kreuter, 2021). صاحب‌نظران، نام این سبک جدید روابط دیپلماتیک را که منبعث از ساختار دیجیتالی ارتباطات است، دیپلماسی دیجیتال نهاده‌اند. اما دیپلماسی دیجیتال به‌شدت متأثر از قدرت سیاست خارجی و جایگاه هر کشور در عرصه بین‌المللی بوده و قدرت و ماهیتی مستقل ندارد (Bjola, 2020: 42).

جایاتیلکا^۲ (۲۰۲۰: ۴۳) معتقد است دیپلماسی دیجیتال فرصت‌های ارتباطی به بازیگران (سیاست خارجی) برای مشارکت مخاطبان خارجی می‌دهد. این امر، امکان مشارکت در سیاست خارجی دو جانبه و گفتگوها را برای طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها و بازیگران غیردولتی و جامعه مدنی که مشارکت آنها در دستیابی به اهداف سیاست خارجی بسیار حیاتی است، فراهم کرده است. به‌همین ترتیب، ظرفیت دیپلماسی دیجیتال با تغییر در ساختار و روند وزارتخانه‌های خارجه بر عناصر سنتی دیپلماسی تأثیر گذاشته و آنها را تحت تأثیر قرار داده است.

همه کشورها رویکرد واحدی برای استفاده از این شکل جدید دیپلماسی ندارند. در ایالات متحده، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت این کشور در سال ۲۰۱۱ با انتشار مانیفست

1. ICT: Information and Communications Technology

2. Jayatilaka



وزارت خارجه به نام کشورداری قرن ۲۱^۱، از برنامه خود برای به کارگیری اینترنت در سیاست خارجی خبر داد (state. gov, 2017). بدین ترتیب، نخستین بار دیپلماسی دیجیتال در وزارت خارجه ایالات متحده به شکل جدی مطرح و به بخش جدایی ناپذیر سیاست خارجی این کشور تبدیل شد. وزارت خارجه بریتانیا نیز راهبرد دیجیتال^۲ خود را در سال ۲۰۱۳ منتشر و اداره‌ای به نام دیپلماسی دیجیتال در دولت ایجاد کرد. متعاقباً سوئد، فرانسه و لهستان از این نوع دیپلماسی برای کشورداری بهره گرفتند. در حالی که چین و روسیه هر چند (تا ۲۰۱۷) برنامه رسمی ارائه ندادند اما در عمل از دیپلماسی دیجیتال به طریق مقتضی بهره می‌گیرند. البته هر یک از کشورها بر اساس تعریفی که از دیپلماسی دیجیتال، ابزارها و کارکردهای آن دارند نامی متمایز برای آن برگزیده‌اند (Verreikia, 2017: 139).

بر اساس آنچه بجولا^۳ (۲۰۲۰) می‌گوید دیپلماسی دیجیتال کشورها متأثر از اهداف سیاست خارجی آن‌هاست. بر همین اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که رویکرد حاکم بر دیپلماسی دیجیتال کشورهای گوناگون چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند و چگونه می‌توان عملکرد آن‌ها در فضای ارتباطی دیجیتال را تحلیل و از یکدیگر متمایز کرد.

امروزه با انواع متنوعی از دیپلماسی مواجهیم مانند دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی سایبری و توئیپلماسی که تعاریفشان همپوشانی و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. دیپلماسی عمومی، قدیمی‌ترین مفهوم مدرن در دیپلماسی است. ملیسن (۲۰۰۵) معتقد است: «دیپلماسی عمومی یک راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند برای ساخت تصویر مثبت از یک کشور نزد افکار عمومی خارجی است». به تدریج و با فراگیری رسانه‌های جمعی شکلی جدید از دیپلماسی پا به عرصه وجود گذاشت که به نام دیپلماسی رسانه شناخته می‌شود. به همین ترتیب توئیپلماسی استفاده از شبکه اجتماعی توئیتر در دیپلماسی تعریف شده است (شیخ‌الاسلامی و رضاپور، ۱۴۰۱). اما دیپلماسی سایبری به امنیت فضای سایبر مربوط می‌شود. دیپلماسی سایبری را می‌توان به عنوان دیپلماسی در حوزه سایبری و استفاده از منابع دیپلماتیک و انجام کارکردهای دیپلماتیک برای تأمین منافع ملی در فضای سایبری تعریف کرد. دیپلماسی سایبری ارتباط نزدیک با امنیت سایبری دارد که توسط قانون امنیت سایبری اتحادیه اروپا به عنوان «فعالیت‌های

1. 21th century state craft, Available at: <https://2009-2017.state.gov/statecraft/overview/index.html>

2. Digital strategy

3. Bjola

لازم برای محافظت از شبکه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی، کاربران و سایر افراد تحت تأثیر فضای سایبری» تعریف شده است (Zwarts, et.al., 2022).

مبنای انتخاب کشورهای مورد مطالعه در این مقاله رویکردهای تجدیدنظرطلبانه در روابط بین‌الملل بوده است. بنابراین، چین و روسیه به‌عنوان برجسته‌ترین موجودیت‌های دولتی تجدیدنظرطلب و ایالات متحده و بریتانیا به‌عنوان حافظان نظم موجود انتخاب شده‌اند.

بر این اساس، سوالات اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- الگوی دیپلماسی دیجیتال کشورهای ایالات متحده، بریتانیا، چین و روسیه چیست؟
 - ۲- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در الگوی دیپلماسی دیجیتال هر یک از این کشورها وجود دارد؟
- هدف پژوهش حاضر دستیابی به الگوی دیپلماسی دیجیتال کشورهای مورد مطالعه و مقایسه مؤلفه‌های مختص به هر کشور است.

پیشینه پژوهش

یکی از زمینه‌های رو به رشد تحقیق در مورد نقش رسانه‌های اجتماعی در سیاست و روابط بین‌الملل شاخه پژوهشی به نام «دیپلماسی دیجیتال» است که استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای اهداف دیپلماتیک تعریف شده است (Bjola and Holmes, 2015: 127). مطالعات مربوط به دیپلماسی دیجیتال نشان می‌دهد که انطباق با فناوری‌های دیجیتال، شیوه‌های سنتی دیپلماسی را دگرگون کرده است (Cull, 2019: 315). دفتر امور خارجه و مشترک المنافع انگلیس^۱ دیپلماسی دیجیتال را تحت عنوان «حل مسائل سیاست خارجی با استفاده از اینترنت» تعریف می‌کند.

فلچر، سفیر کارکننده بریتانیا می‌نویسد: دیپلماسی دیجیتال جایگزین کانال‌های ارتباطی سنتی نیست بلکه امتداد دیپلماسی سنتی است. سفیر در سال ۲۰۲۰ یک لابی کننده، رهبر، ارتباط دهنده، پیشگام، کارآفرین، فعال، مبارز و مدافع خواهد بود. او باید از بهترین افراد در این زمینه‌ها بیاموزد و کار در چندین مورد را تجربه کند. او می‌فهمد که دیپلماسی نوعی هنر سری نیست که پشت اصطلاحات خاص و عناوین پنهان شده باشد بلکه حاصل تلفیق رشته‌های گوناگون است. دیپلمات قرن ۲۱ باید بسیار انعطاف‌پذیر باشد. به همین دلیل باید به سفارتخانه نه به‌عنوان ساختمان بلکه به‌عنوان ایده نگاه کند. به‌طور خلاصه، رسانه‌های اجتماعی در دیپلماسی امروز یک واقعیت زندگی روزمره هستند (Fletcher, 2013).

1. FCO: British Foreign and Commonwealth Office



جایاتیلکا^۱ (۲۰۲۰) معتقد است دیپلماسی دیجیتال فرصت‌های ارتباطی برای مشارکت مخاطبان خارجی می‌دهد. این امر امکان مشارکت در سیاست خارجی دوجانبه و گفتگوها را برای طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها و بازیگران غیردولتی و جامعه مدنی که مشارکت آن‌ها در دستیابی به اهداف سیاست خارجی بسیار حیاتی است، فراهم کرده است. به همین ترتیب، ظرفیت دیپلماسی دیجیتال با تغییر در ساختار و روند وزارت خارجه‌ها، بر عناصر سنتی دیپلماسی تأثیر گذاشته است. همچنین اطلاعات با سرعت و گستردگی بیشتری در کشور پخش می‌شود و افراد را قادر می‌سازد تا با گفتار و کردار سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران تعامل داشته و به اقدامات آن‌ها عکس‌العمل نشان دهند.

محمد اتفاق^۲ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی دیجیتال از طریق شبکه‌های اجتماعی»^۳ به تحلیل فراملی استفاده دولتی از فیس‌بوک و توئیتر برای مشارکت دیجیتال در دو کشور پاکستان و هند می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که در هر دو کشور شبکه‌های اجتماعی صرفاً ابزاری برای اطلاع‌رسانی است. هیچ‌یک از دو کشور به شکل مؤثری برای برقراری ارتباط دوسویه و تعامل با مخاطبان و کاربران از شبکه‌های اجتماعی استفاده نمی‌کنند. اما در مقایسه این دو کشور، هند توجه بیشتری به مخاطبان دارد.

یان زوتانگ^۴ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «رقابت دوقطبی در آغاز عصر دیجیتال»^۵ به بررسی ذهنیت‌های حاکم بر سیاست‌گذاران ارشد در ایالات متحده آمریکا و چین می‌پردازد. نتیجه نشان می‌دهد سیاست خارجی کشورها همزمان تحت تأثیر ذهنیت دیجیتال و ذهنیت جنگ سرد است و این ذهنیت، نظم بین‌المللی در حال ظهور را شکل می‌دهد. همچنین در عصر جدید جایی که جنگ‌های مستقیم وجود نخواهد داشت اتفاقاً صلح موضوع دشوارتری خواهد بود. تحقیقات جاستینک، کارلی و امانا^۶ (۲۰۱۹) در خصوص تشابهات و تفاوت‌های دیپلماسی دیجیتال دولت‌های بالکان نشان داد کشورهای آلبانی، کوزو و مقدونیه، مونته‌نگرو، صربستان و بوسنی و هرزگوین به ترتیب بیشترین حضور در شبکه‌های اجتماعی و وب‌سایت‌ها را دارند. ویکو^۷

1. Jayatilaka

2. Muhammad Ittefaq

3. Digital Diplomacy via Social Networks: A Cross-National Analysis of Governmental Usage of Facebook and Twitter for Digital Engagemen

4. Yan Xuetong

5. Bipolar Rivalry in the Early Digital Age

6. Justinek, Carli, Omahna

7. Nicoleta

(۲۰۲۱) با بررسی دیپلماسی دیجیتال رومانی در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ به این نتیجه رسید که تدریجاً دیپلماسی سنتی سلسله مراتبی^۱ به‌منظور انتقال سریع، موثر و امن اطلاعات مجبور به انطباق با کانال‌های جدید ارتباطی هستند.

بجولا و پاپاداکیس^۲ (۲۰۲۰) رویکرد فنلاندی برای ایجاد انعطاف‌پذیری دیجیتال را مورد مذاقه قرار داده و به این نتیجه رسیدند که حوزه کلان^۳ فنلاند در برابر تأثیرات پروپوگاندای دیجیتال مقاوم است اما این تلاش‌ها توسط جریان‌های ضد‌مردمی^۴ در فضای خرد تضعیف می‌شوند. به‌طور خلاصه جریان‌های ضد‌مردمی بخشی از مردم هستند که آگاهانه و عامدانه در تقابل با ایدئولوژی حاکم قرار دارند و به‌دنبال برانداختن آن در گفتمان عمومی هستند. این مفهوم پس از ترجمه آثار هابرماس در خصوص حوزه عمومی وارد عرصه گفتمانی شد.

مارکزوک^۵ (۲۰۱۹) مجموعه‌ای از توانایی‌ها و شایستگی‌های دیپلمات‌ها در عصر مدرن را دسته‌بندی کرده است. مانور (۲۰۲۰) نشان می‌دهد استفاده از شوخ‌طبعی و سخنان کنایه‌آمیز و انعکاس رویدادها به شیوه‌ای پوپولیستی (عامه‌پسند) به روسیه کمک کرده است برند اینترنتی^۶ منحصر به فردی برای خود ایجاد کند. همچنین برند اینترنتی روسیه تلاش دارد این کشور را به‌عنوان رهبر جهانی قابل اعتماد نشان دهد که دیپلماسی شفاف و قابل درکی برای عموم مردم دارد.

همچنین تحقیق مانور و پامنت^۷ (۲۰۱۹) در خصوص اعتبار و پرستیژ (وجهه) در دیپلماسی قدیمی و مدرن نشان داد مشخصه‌های سنتی وجهه دیپلماتیک به‌صورت خودکار به زبان آنلاین ترجمه نمی‌شوند و به تلاش زیادی برای حفظ وجهه در شبکه‌های آنلاین نیاز است. انعطاف و سیالیت شبکه‌های آنلاین به بازیگران دیپلمات اجازه تحرک وجهه را می‌دهد. شکی نیست که دیپلماسی دیجیتال منوط به پیشرفت فناوری‌های جدید رسانه‌ای است. دسترسی، گمنامی و گشودگی رسانه‌های اجتماعی این آزادی را برای شهروندان فراهم می‌کند تا با دیپلمات‌هایی که ممکن است در زندگی واقعی هرگز آنان را نبینند گفتگو کنند. دیپلماسی

1. Carrier
2. Bjola & Papadakis
3. macrosphere
4. Counterpublics
5. Marczuk
6. iBrand
7. Manor & Pamment



دیجیتال دو طرفه است، زیرا رسانه‌های اجتماعی امکان گفتگو بین بازیگران دولتی و مخاطبان آن‌ها را فراهم می‌کنند. این موضوع، فضایی را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن سیاست‌ها از طریق تبادل متقابل اطلاعات، ایده‌ها و منافع تعیین می‌شوند. به‌علاوه، بر خلاف دیپلماسی سنتی که مخاطب در آن منفعل محسوب می‌شود، دیپلماسی دیجیتال از طریق بحث‌های مداوم، امکان بازخورد سریع و توضیح پیام‌ها فراهم می‌کند (Cull, 2013).

در نهایت باید توجه کرد روابط بین‌الملل دیجیتال به‌شدت شبکه‌ای است. یعنی کنترل شبکه‌ها و گره‌های^۱ آن‌ها برای هژمونی حیاتی است. اگرچه ممکن است به‌نظر برسد روابط بین‌الملل دیجیتال نوید انتقال قدرت (به مردم) را می‌دهد اما شبکه‌های حاکم رابطه‌ای، سودمند، تراکشی و منعکس‌کننده قدرت مستقر هستند. شبکه‌ها همچنین سلسله‌مراتب روابط را حفظ می‌کنند، یعنی ممکن است منافع در جهان شبکه‌ها در قیاس با جهان آنالوگ سریعتر تحقق یابند (Zuboff, 2019: 24).

وب‌سایت شاخص دیپلماسی دیجیتال^۲ برای اندازه‌گیری تأثیر کلی و کارایی صدای دیجیتال کشورهای عضو G۲۰ و رده‌بندی آن‌ها طراحی شده است. این رده‌بندی بر اساس ۹ شاخص انجام می‌شود که عبارتند از: دسترسی به شبکه‌های دیپلماتیک، وزن دیپلماتیک، تناوب انتشار توئییت^۳، کارایی پیام، مشاهده جهانی کشور (متبوع)، مهارت، تکانه‌ها^۴، مرکزیت دیپلماتیک، کسب رهبری و تنوع زبان. در آخرین رده‌بندی این وب‌سایت در سال ۲۰۲۰ ایالات متحده در رده اول، روسیه پنجم، بریتانیا نهم و چین در رده شانزدهم قرار گرفته‌اند (Digital diplomacy index, 2020).

بر اساس نظرات صاحب‌نظران حوزه دیپلماسی دیجیتال، اهداف سیاست خارجی هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در دیپلماسی دیجیتال آن دارد (بجولا، ۲۰۲۰)، در رویکرد سازه‌انگاران، اهداف سیاست خارجی هر موجودیت متأثر از هویت آن تلقی شود (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶). بنابراین در سازه‌انگاری، الگوی دیپلماسی دیجیتال هر کشور متأثر از مؤلفه‌های هویتی آن و متمایز از سایر کشورها است. بررسی ادبیات پژوهش وجود دو نقیصه اصلی در حوزه دیپلماسی دیجیتال را نشان می‌دهد: نخست؛ فقدان نمونه‌های پژوهشی متمرکز بر استخراج الگوی

1. Network and node
2. Digital diplomacy index
3. Vocality
4. Momentum

دیپلماسی دیجیتال کشورهای گوناگون به‌همراه مفاهیم و مؤلفه‌های مربوطه، دوم؛ عدم‌احصاء نقاط اشتراک و افتراق دیپلماسی دیجیتال کشورها با رویکرد تطبیقی. این پژوهش به‌عنوان یکی از نمونه‌های اول، از منظر سازه‌نگارانه الگوی دیپلماسی دیجیتال کشورها را استخراج و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها را بررسی می‌کند.

تجدیدنظرطلبی و تلاش برای حفظ نظم موجود

تحلیل‌گران روابط بین‌الملل اغلب بین دولت‌های حافظ وضع موجود مانند ایالات‌متحده و بریتانیا و تجدیدنظرطلب^۱ مانند چین و روسیه تفاوت قائل می‌شوند (DiCicco and Sanchez, 2021). تجدیدنظرطلبی یکی از سیاست‌هایی است که دولت‌ها اصولاً در شرایط وجود نارضایتی اتخاذ می‌کنند. در این سیاست، فرض بر این است که نظام بین‌الملل به هر دلیلی توانایی ارائه کارکرد عادلانه را ندارد و در راستای تأمین منافع موجودیت‌ها عمل نمی‌کند. بنابراین، دولت‌ها برای تأمین منافع خود ضمن مشروعیت‌زدایی از نظم بین‌المللی، سیاست تغییر وضع موجود را در دستور کار قرار می‌دهند. دولت‌هایی که بنا به دلایل و انگیزه‌های گوناگون، از جمله ایدئولوژیک، فناورانه، توسعه‌طلبانه یا به‌منظور جبران شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته دارای اهداف تجدیدنظرطلبانه هستند می‌کوشند به نحوی و از طریق شرکت در اتحادها و ائتلاف‌های جدید و نیز تقویت قدرت ملی خویش، وضع موجود در صحنه سیاست بین‌الملل را بر هم بزنند (رسولی و عسکری، ۱۳۹۵).

اصولاً دولت‌هایی که سیاست خارجی آنها در چارچوب ایدئولوژیک به مفهوم اخص آن تعبیر و تفسیر می‌شود، از تقسیمات جغرافیایی موجود و همچنین از توزیع قدرت و هنجارهای حاکم بر سیاست بین‌الملل ناراضی هستند؛ زیرا ایدئولوژی بر اساس ارزش تعریف می‌شود و ارزش‌ها، بایدها و نبایدها را مطرح می‌کنند. به این معنا که چه نوع رفتار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حقوقی قابل قبول هستند و کدام یک از آن‌ها مورد قبول نیستند. با چه واحدهای سیاسی رسمی و غیررسمی و با چه شرایطی باید ارتباط برقرار کرد و بالاخره به سازمان‌های بین‌المللی چگونه باید نگریست؟ مجموعه این بایدها و نبایدها، نهادهای سیاست خارجی و جهت‌گیری‌های این دولت‌ها را در عرصه سیاست بین‌الملل مشخص می‌کنند (قوام، ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۲۱).

در سال‌های پس از پایان جنگ سرد همواره از روسیه و چین به‌عنوان دوتهدید اصلی نظم موجود یاد می‌شود (Ashworth, 2002). در گزارش استنت (۲۰۲۰) روسیه و چین امروز



قدرت‌های تجدیدنظرطلب محسوب می‌شوند زیرا به دنبال ایجاد یک نظم جهانی «پساغربی» هستند که در آن ایالات متحده دیگر نمی‌تواند خطمشی‌های مالی و سیاسی را تعیین کند. دولت ترامپ، چین و روسیه را هم در راهبرد امنیت ملی^۱ ۲۰۱۷ خود و هم در راهبرد دفاع ملی^۲ ۲۰۱۸ خود یک «قدرت تجدیدنظرطلب» توصیف کرد: «به طور خلاصه، آنها با مزیت‌های ژئوپلیتیکی ما به چالش می‌کشند و سعی می‌کنند نظم بین‌المللی را به نفع خود تغییر دهند» (Turner and Nymalm, 2019: 415). بنابراین، اهداف سیاست خارجی این کشورها به گونه‌ای در راستای تضعیف نظم لیبرال تنظیم می‌شود. شایان ذکر است از ایران نیز در کنار روسیه و چین به عنوان یک کشور تجدیدنظرطلب یاد می‌شود (Puri, 2017).

از سوی دیگر بجولا (۲۰۲۰) معتقد است دیپلماسی دیجیتال باید در حمایت از اهداف سیاست خارجی به خدمت گرفته شود و راهبردهای مناسبی در همین راستا برای آن تعریف کرد. بنابراین، رویکرد کشورها در خصوص حفظ نظم موجود و یا تجدید نظر در آن نه تنها در سیاست خارجی متبلور شده بلکه بر دیپلماسی دیجیتال آنان نیز اثر می‌گذارد. متعاقباً رویکرد چین و روسیه به عنوان دو کشور تجدیدنظرطلب برجسته با ایالات متحده و کشورهای همفکر از جمله بریتانیا متفاوت خواهد بود.

۱. چارچوب نظری

چارچوب نظری حاکم بر پژوهش حاضر سازه‌نگاری است. در این پژوهش الگوی دیپلماسی دیجیتال^۴ کشور مورد مطالعه در چارچوب نظری سازه‌نگاری و با تأکید بر دو مؤلفه هویت و ساختار- کارگزار استخراج می‌شود.

۱-۱. سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی

محققان روابط بین‌الملل یک نظریه واحد را برای توضیح نظام بین‌الملل قبول ندارند، بنابراین، از نظریات ویژه و متناسب با رویدادها در روابط بین‌الملل بهره می‌گیرند. واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌نگاری^۳ در روابط بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، اما هیچ‌یک از این رویکردها به تنهایی پاسخگوی مسائل دیپلماسی نیست، بلکه هر یک، از زوایای خاص به تحلیل آن پرداخته‌اند (علمداری و راسخی، ۱۳۸۹).

1. NSS

2. NDS

3. Constructivism

هستی‌شناسی بدیل سازه‌نگاری، با باور به تکوین متقابل «ساختار- کارگزار»، این نکته را بیان می‌کند که اگر ساختار امری برآمده از کنش متقابل بازیگران است و در این کنش بازیگران بر اساس هویت‌های متمایز خود اقدام می‌کنند و هویت برآمده از محیط داخلی آنها است، ساختار نیز به شیوه‌های گوناگون هویت، منافع و ... آنها را تحت تأثیر قرار داده و آن را شکل می‌دهد. سازه‌نگاری عنوان می‌کند که بازیگران بر حسب معانی ذهنی، زبان و تلقی‌های خود (که برآمده از هویت آنهاست) اقدام به کنش متقابل می‌زنند و در این تعامل واقعیت را می‌سازند و در تعامل با واقعیت، ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این تلقی در تبیین رفتار سیاست خارجی یک کشور آن است که دولت‌ها، بر اساس هویتشان جهان خود را می‌سازند و بر اساس آن اقدام به کنش می‌زنند. دولت‌ها در کنش متقابل واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازند و متقابلاً در تعامل با آن خود بر ساخته می‌شوند و هویتشان متحول می‌شود (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶).

محور اصلی سازه‌نگاری این است که فاعل شناسا، دانش و معنا را فعالانه و بر مبنای تجربیات قبلی خود می‌سازد و ریشه آن را به اندیشه فیلسوفانی مانند هگل، کانت و نیچه باز می‌گرداند (ارجمندی و چابکی، ۱۳۸۹).

سازه‌نگاری از پذیرش هویت و منافع به‌عنوان امری از پیش تعیین‌شده اجتناب می‌کند. از دیدگاه این نظریه، هویت‌ها امری مسلم و قطعی نیستند؛ بلکه امری هستند که ما آنها را ایجاد کرده‌ایم و به‌همین دلیل می‌توانستیم آنها را به گونه‌ای دیگر هم ایجاد کنیم (Hopf, 1998). توجه سازه‌نگاران از یک سو به انگاره‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌هاست و از سوی دیگر تأکید آنها بر نقش تکوینی عوامل فکری است که آنها را در برابر مادی‌گرایان حاکم بر روابط بین‌الملل قرار می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

هویت و ساختار- کارگزار دو مفهوم تعیین‌کننده در هستی‌شناسی رویکرد سازه‌نگاری هستند.

۲-۱. مفهوم هویت و منافع از منظر سازه‌نگاری الکساندر ونت^۱

هویت، مفهومی است که از طریق آن فرد گروه یا جامعه خود را می‌شناسد و موجب تشخیص می‌شود. نقطه مقابل هویت «خودی»، «دیگری» است. هویت وجه تمایز بین من یا ما با دیگری است و احساس تعلق و تعهد فرد به یک کشور، جامعه، گروه، نژاد و فرهنگ است (جوادی‌ارجمندی، ۱۳۹۲). هویت در دهه ۱۹۹۰ به یکی از مباحث متداول در محافل دانشگاهی

1. Alexander Wendt



تبدیل شد. از دیدگاه سازه‌انگاران هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت از خود و انتظارات از دیگران است. کنش‌گران، منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند، یعنی همان معانی که ساختارها را تعریف می‌کنند و به کنش‌های ما سازمان می‌دهند. به تعبیر ونت، هویت عبارت است از آنچه که چیزی را به آنچه که هست تبدیل می‌کند. وی تصریح می‌کند که هویت، خصوصیتی در کنشگران نیست‌مند است که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است. در واقع، هویت یک ویژگی ذهنی است که ریشه در فهم کنشگر از خود دارد. هویت شامل دو انگاره است، انگاره خود و دیگری. پس ساختارهای درونی و بیرونی هر دو به هویت قوام می‌بخشند (رمضان‌زاده و جوکار، ۱۳۸۹).

هویت دولت‌ها در تعامل با یکدیگر به وسیله مشارکت در معانی و از درون یک دنیای اجتماعی تکوین یافته پدید می‌آید و می‌تواند تغییر کند. اگر دیده می‌شود که برخی از گونه‌های هویت و منافع می‌توانند به امری پایدار تبدیل شوند، به این معنا نیست که نمی‌توانند تغییر کنند (Smith and Price, 1998: 231).

از این رو سازه‌انگاران استدلال می‌کنند هویت دولت‌ها تحت تأثیر ساختار اجتماعی، تعاملات، افکار هنجاری و عقاید قرار دارد و دارای دو معنای متمایز است: یکی هویت جمعی^۱ و دیگری هویت اجتماعی^۲. هویت جمعی شامل خصومات دینی، مادی و ایدئولوژیک در سطح ملی است و هویت اجتماعی عبارت است از معنایی که کنشگر (دولت) در نگاه به دیگران (دیگر دولت‌ها) به خود می‌دهد، باید توجه داشت که در این ارتباط هنجارها و ارزش‌ها نقشی اساسی بازی می‌کنند. به دلیل تقدم هنجارها در سازه‌انگاری، دولت‌ها نمی‌توانند در رفتارهای خود، هنجارها را نادیده بگیرند و برای رسیدن به منافع، هر اقدامی را انجام دهند. همانگونه که در روابط میان افراد جامعه، فهم‌های بین ذهنی وجود دارد، در روابط بین دولت‌ها نیز چنین است.

از نظر سازه‌انگاری، یک دولت ممکن است هویت‌های متعدد داشته باشد و بر اساس هر هویت، منافع و رفتاری خاص اتخاذ کند. ونت رابطه میان هویت و منافع را از طریق مفهوم نقش تحلیل می‌کند. نقش‌هایی که دولت‌ها به عهده می‌گیرند، آنها را به مجموعه کنش‌ها و اقدام‌هایی فرا می‌خواند که با این نقش هماهنگ هستند نقش‌هایی که دولت‌ها برای خود قائلند، در چگونگی تصمیم‌گیری سیاست خارجی آنها تأثیر اساسی دارد (جوادی‌ارجمند، ۱۳۹۲).

سازهانگاران به سه شیوه میان هویت و منافع ارتباط برقرار می‌کنند. اول: ارزش‌های ملی هویت دولت؛ اهداف، پاداش‌ها و فرایندی را که به وسیله دولت پیگیری می‌شود، ایجاد می‌کنند. دوم: معیارهای خاص که در هویت بازیگران ریشه دارد؛ به چگونگی تعیین وضعیت‌هایی که در آن کنش‌ها برای تکمیل این منافع شکل می‌گیرند، کمک می‌کند. این امر بر تعیین اولویت‌های دولت در مورد رفتارهای ویژه تأثیر می‌گذارد، سوم: هویت‌ها، قواعد و عملکردهای خاص را دربر می‌گیرند که مشخص می‌کند کدام راهبردها باید اولویت یابند البته ممکن است محدودیت‌هایی را نیز بر انتخاب‌های خاص سیاست خارجی اعمال کنند (ارجمندی و چابکی، ۱۳۸۹).

۳-۱. مفهوم ساختار-کارگزار در رویکرد سازهانگاران

در کنار بحث هویت، یکی دیگر از مباحث مهم سازهانگاران در سطح هستی‌شناسی توجه به نقش قوام‌بخش ساختار-کارگزار است. سازهانگاری با برداشتی که از قوام متقابل کارگزار و ساختار یا فرد و جامعه دارد، به نوعی بر این دوگانگی‌ها فائق می‌آید. به اعتقاد سازهانگاران، ساختار و کارگزار به‌شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند و ساختارهای اجتماعی نتیجه پیامدهای کنش انسانی هستند. باید در نظر داشت که در چارچوب نگرش‌هایی که ساختار و کارگزار را متمایز از هم می‌بینند، نقش ساختار به کنش ساختار تقلیل پیدا می‌کند و یا برعکس فعالیت کارگزاران به نقش ساختار تقلیل می‌یابد. در این حالت‌ها، پژوهشگر قادر نخواهد بود که درهم تنیدگی عوامل کارگزارانه و ساختاری را به درستی تحلیل کند. اعمال دیدگاه ساختار-کارگزار در خصوص سازهانگاری به این معنا خواهد بود که سازه‌های روابط بین‌الملل دیگر نه برساخته عوامل عینی و ساختاری محض و نه برساخته عوامل ذهنی و تفسیری محض تصور نخواهند شد، بلکه عملکرد روابط بین‌الملل منتج از درهم تنیدگی عوامل ساختاری و کنشی دانسته می‌شود و عوامل کنشی و ساختاری فقط به‌صورت تحلیلی از یکدیگر قابل تفکیک خواهند بود. در اینجا سازهانگاران از آرای آنتونی گیدنز تأثیر پذیرفته‌اند. آنتونی گیدنز برخلاف ساختارگرایان در رویکردی هستی‌شناختی، معتقد است که مؤلفه مستقلی به‌نام ساختار وجود ندارد، بلکه ما با اوصاف ساختاری مواجه هستیم که بر ساخته کنش‌های فردی یا جمعی است. از سوی دیگر، کنش افراد یا گروه‌ها را تنها می‌توان در چارچوب همین اوصاف ساختاری سنجید. بدین ترتیب، گیدنز ابعاد تعاملی پدیده‌ها را در نظر می‌گیرد (معینی‌علمداری و راسخی، ۱۳۸۹).

روش پژوهش

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و مبتنی بر پارادایم عمل‌گرایی و با رویکردی استقرایی است و از راهبرد پژوهش کیفی بررسی تطبیقی بهره می‌برد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک روش تحلیل مضمون انجام شده است. تحلیل مضمون از طریق فرآیند کدگذاری طی شش مرحله، به منظور خلق الگوهای صحیح و معنادار، انجام می‌گیرد. این مراحل عبارتند از: آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جست‌وجوی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و تهیه گزارش نهایی (Braun and Clarke, 2006: 86).

بزارهای گردآوری داده‌ها، جامعه و نمونه

بخش عمده متون از مجلات علمی- پژوهشی و پایگاه‌های اینترنتی معتبر از جمله پایگاه اینترنتی بنیاد هریتیج، بنیاد دیپلماسی دیجیتال و وزارت خارجه کشورهای مورد مطالعه استخراج شده است. به علت کیفی بودن روش تحلیل مضمون، برای کنترل روایی و پایایی پژوهش حاضر از معیارهای کمی و رویکرد اثبات‌گرایانه استفاده نشد، بلکه همان‌گونه که گوبا و لینکلن بیان داشته‌اند، سنج‌های باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری مبنای قرار گرفته (حق‌شناس و نرگسیان، ۱۳۹۶: ۱۵۹) و مطابق با توصیه کینگ و هاروکز (۲۰۱۰: ۱۶۳) از چهار رویه خود آزمون کدگذاری، استفاده از کدگذاران مستقل و دریافت بازخورد از مصاحبه‌شوندگان ضمن ارائه توصیف غنی و ثبت جزئیات بررسی‌ها، استفاده شد. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه تحقیق، اسناد منتشر شده مرتبط با دیپلماسی دیجیتال کشورهای مورد مطالعه و حجم نمونه مجموعاً ۲۰ مقاله علمی- پژوهشی، ۵ مقاله اینترنتی، ۲ سند و ۱ مصاحبه منتشرشده در خصوص دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده، بریتانیا، چین و روسیه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ است که به صورت قضاوتی انتخاب شده‌اند. همچنین ۴ کشور مورد مطالعه بر مبنای رویکردهای تجدیدنظرطلبانه و حفظ نظم لیبرال انتخاب شده‌اند. چین و روسیه برجسته‌ترین کشورهای تجدیدنظر طلب و ایالات متحده و بریتانیا نیز حافظان نظم موجود هستند.

یافته‌های پژوهش

مجموعاً ۳۳ منبع اعم از مقالات علمی- پژوهشی، مقالات آنلاین، پایگاه‌های اینترنتی معتبر و اسناد دولتی منتشر شده از سال ۲۰۱۱ با موضوع دیپلماسی دیجیتال مربوط به ۴ کشور مورد



مطالعه، انتخاب و مراحل تحلیل مضمون برای هر یک از آن‌ها انجام شد. در جدول شماره ۲ نمونه‌ای از شیوه اجرای تحلیل مضمون نمایش داده شده است. ۴ سطح انتزاع شامل استخراج شناسه‌ها، عبارات توصیفی، دسته مفهومی، مضمون فرعی و مضمون اصلی در این مرحله انجام شد.

جدول ۱- مراحل استخراج مضامین دیپلماسی دیجیتال چین

شناسه	جملات کلیدی	عبارت توصیفی	دسته مفهومی	مضمون فرعی	مضمون اصلی
C2C54 C2C55 C2C56 C4C1 C2C52	ظرفیت اقتصادی صنایع دیجیتال را با نفوذ فرهنگی ترکیب می‌کند و مشارکت بین بخش خصوصی و دولت را ایجاد می‌کند؛ وقتی شرکت‌های خصوصی به خارج از کشور می‌روند، دولت نیز از چنین فرصت‌هایی به‌عنوان ابزاری برای انجام دیپلماسی استفاده می‌کند. رهبری سیاسی چین روابط خود را با قهرمانان رسانه‌های دیجیتال با هدف پیشبرد برند حاکمیت اینترنت تقویت کرده است. فرهنگ start-up آن بسیار جسورانه، رقابتی و در سطح جهانی است. علی‌رغم کاهش سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۹، شرکت‌های فناوری چینی همچنان از جمله بزرگترین‌ها، با ارزش‌ترین‌ها و نوآورترین‌ها در جهان هستند.	• ترکیب ظرفیت اقتصادی صنایع دیجیتال با نفوذ فرهنگی • به‌کارگیری شرکت‌های دیجیتالی • حمایت دولتی از start up • حمایت دولتی از نوآوری • حمایت دولتی از شرکت‌های چینی • حمایت دولتی از start up • حمایت دولتی از نوآوری	حمایت از شرکت‌ها و نوآوری‌های دیجیتالی	تقویت رقابت‌پذیری	مؤلفه غایی (چین)
C2C51	از اوایل دهه ۲۰۰۰، سیاست Go Global از دیپلماسی اینترنتی چین خبر داد.	تدوین سیاست دیپلماسی اینترنتی	برنامه‌ریزی منسجم		

جدول ۲- مراحل استخراج مضامین دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده

شناسه	جملات کلیدی	عبارت توصیفی	دسته مفهومی	مضمون فرعی	مضمون اصلی
US11C9 US11C10 US11C11 US11C12 US11C34 US11C35 US15C36	<p>میشل اس. گیودا، دستیار دبیر دفتر جدید، ضرورت این تغییرات را توضیح می‌دهد:</p> <p>ما یک چشم‌انداز ارتباطات پیچیده به‌طور فزاینده‌ای داریم. در مورد سیاست خارجی هم همین‌طور. ما باید بتوانیم خود را تطبیق دهیم، رهبری کنیم، رشد کنیم و ارزش‌های آمریکا و سیاست خارجی آمریکا را در آن نوع محیط (دیجیتال) انتقال دهیم.</p> <p>دفتر جدید امور عمومی جهانی (GPA) با هدف اطلاع‌رسانی سیاست‌های خارجی آمریکا در داخل و خارج از کشور است.</p> <p>با توجه به کاهش درک جهانی از آمریکا و اهداف مندرج در راهبرد امنیت ملی، یکی از اهداف آمریکا در فضای اطلاعاتی، ارتقای این کشور، ارزش‌ها و دستاوردهای آن است.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • انطباق‌پذیری • رهبری • رشد • انتقال ارزش‌ها و سیاست خارجی ایالات متحده در محیط دیجیتال • اطلاع‌رسانی در خصوص سیاست خارجی در داخل و خارج کشور • ارتقای تصویر کشور • ترویج ارزش‌ها و دستاوردهای آن • کاهش درک جهانی از ایالات متحده و اهداف مندرج در راهبرد امنیت ملی 	انطباق پذیری با تغییرات فناوری	ساختار تکنوفیل	مؤلفه ساختاری (آمریکا)
US11C7 US11C8	<p>در بهار ۲۰۱۹، وزارت امور خارجه ایالات متحده یک تغییر ساختاری بزرگ را تجربه کرد، ادغام دفتر امور عمومی و دفتر برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی (Morello, 2019).</p> <p>دومی مسئول شاخه داخلی دیپلماسی عمومی بود و با مخاطبان داخلی کار می‌کرد، در حالی که اولی برای مردم خارجی پخش می‌کرد.</p>	<ul style="list-style-type: none"> • ادغام اداره امور عمومی و دفتر برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی • ایجاد اداره امور عمومی جهانی 	تغییر ساختار		

شناسه	جملات کلیدی	عبارت توصیفی	دسته مفهومی	مضمون فرعی	مضمون اصلی
US12C5 US12C11	مطالعه‌ای که توسط Deloitte and the Partnership در سال ۲۰۱۲ در مورد وزارت خانه‌های مختلف انجام وزارت خارجه، فناوری دوست‌ترین وزارتخانه دولت است. سفارت ایالات متحده در مسکو با کاهش محبوبیت ایالات متحده در میان روس‌ها در بحبوحه تنش‌ها با روسیه و با کنترل شدید کرملین بر رسانه‌ها مواجه بود. سفیر مک‌فول که در دیپلماسی رسانه‌های اجتماعی در خط مقدم بود، به سرعت راهبرد رسانه‌های اجتماعی چندزبانه و چند پلتفرمی را اتخاذ کرد، او از یوتیوب برای معرفی مستقیم خود به مردم روسیه استفاده کرد.	• فناوری دوست بودن جو وزارت خارجه • غلبه بر موانع ساختاری و زیر-ساخت‌های ارتباطات	ساختار تکنوفیل		

جدول ۳- مضامین اصلی و فرعی کشورهای مورد مطالعه

بریتانیا	ایالات متحده آمریکا	روسیه	چین	مضامین اصلی
<ul style="list-style-type: none"> تصویر مطلوب و اثرگذاری گشودگی و شفافیت آزادی اینترنت 	<ul style="list-style-type: none"> ترویج مفاهیم حاکمیتی دیجیتال ترویج ارزش‌های لیبرال پیشگامی در فناوری آزادی اینترنت ذهنیت جنگ سرد 	<ul style="list-style-type: none"> مقابله با هژمونی ایالات متحده تمایزسازی روسیه؛ قدرت جهانی رویکرد تهاجمی هویت متأثر از غرب • اقتدارگرایی 	<ul style="list-style-type: none"> مقابله با هژمونی ایالات متحده قدرت جهانی هوشمند برند جذاب ترویج ارزش‌ها عدم تاب‌آوری در برابر انتقاد • منفعت‌گرایی (تعبیر) 	مؤلفه هویتی

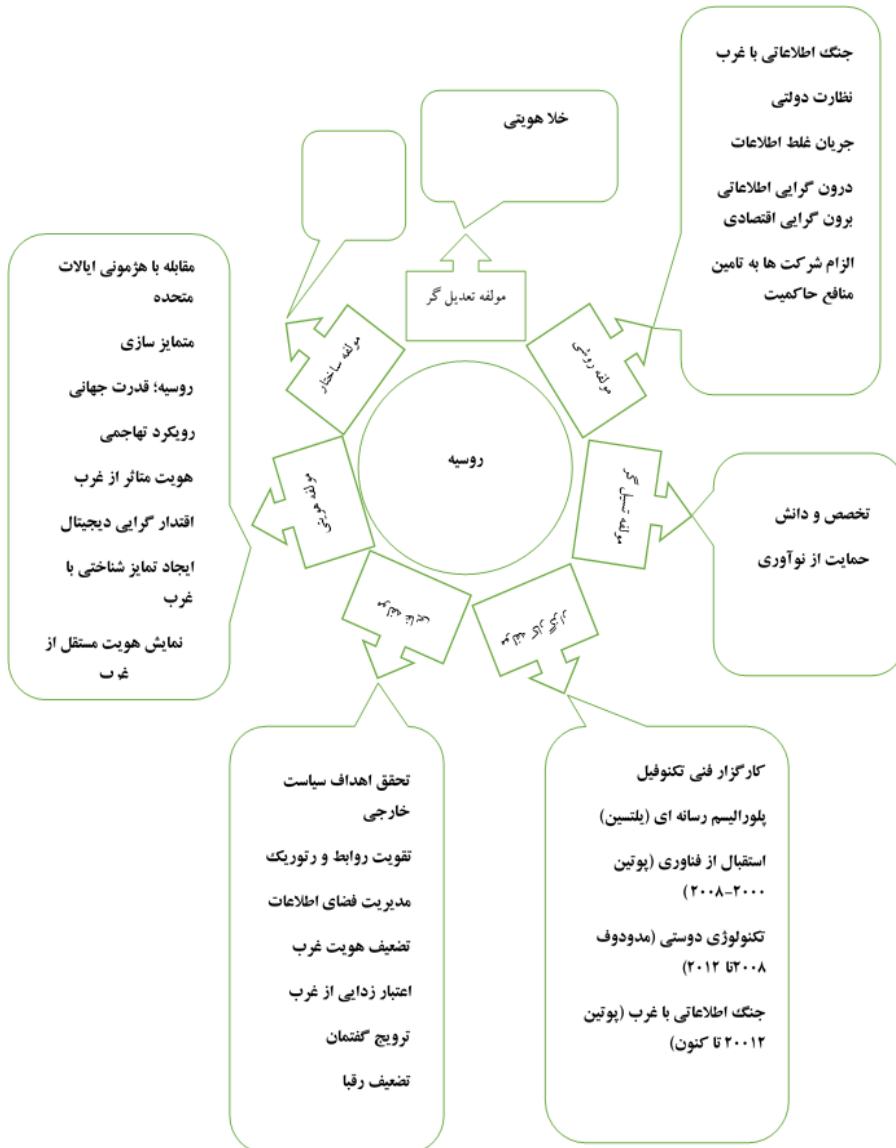


مضمین اصلی	چین	روسیه	ایالات متحده آمریکا	بریتانیا
	<ul style="list-style-type: none"> • رویکرد از ایدئولوژی (به منفعت) • اقتدارگرایی دیجیتال • ایجاد تمایز شناختی با غرب • نمایش هویت مستقل از غرب • ذهنیت دیجیتال 	<ul style="list-style-type: none"> • دیجیتال • ایجاد تمایز شناختی با غرب • نمایش هویت مستقل از غرب 		
مؤلفه غایی	<ul style="list-style-type: none"> • مقابله با یکجانبه‌گرایی • تقویت رقابت‌پذیری • مدیریت فضای اطلاعات • پیش‌بینی و نظارت • تضعیف هویت غرب • بهبود تصویر • ترویج گفتمان • تضعیف رقبا 	<ul style="list-style-type: none"> • تحقق اهداف سیاست خارجی • تقویت روابط و رتوریک • مدیریت فضای اطلاعات • تضعیف هویت غرب • اعتبارزدایی از غرب • ترویج گفتمان • تضعیف رقبا 	<ul style="list-style-type: none"> • حفاظت از منافع ملی • بازدارندگی دیجیتال • توانمندسازی • پیش‌بینی رویدادها • تعیین دستور کار جهانی • مدیریت فضای اطلاعات • ترویج گفتمان • تضعیف رقبا 	<ul style="list-style-type: none"> • اثربخشی سیاست خارجی • خدمات موثر • مدیریت فضای اطلاعات • ترویج گفتمان • تضعیف رقبا
مؤلفه روشی	<ul style="list-style-type: none"> • تقویت جریان‌های نامعتبر • درون‌گرایی اطلاعاتی و برون‌گرایی اقتصادی • به‌کارگیری مؤثر شرکت‌ها • یکپارچگی و تمرکز 	<ul style="list-style-type: none"> • جنگ اطلاعاتی با غرب • نظارت دولتی • جریان غلط اطلاعات • درون‌گرایی اطلاعاتی و برون‌گرایی 	<ul style="list-style-type: none"> • جذب و آموزش نیروی انسانی • ارتقای دیپلماسی دیجیتال • تمرکززدایی • انطباق با راهبرد امنیت ملی • توسعه مفهوم امنیت • عدم تمرکز و کاهش 	<ul style="list-style-type: none"> • جذب و آموزش نیروی انسانی • انگیزش و تشویق کارکنان • تخصص‌گرایی • ارزیابی • بهبود مستمر • نظارت مستمر • کاهش موانع

مضامین اصلی	چین	روسیه	ایالات متحده آمریکا	بریتانیا
		اقتصادی • الزام شرکتها به تامین منافع حاکمیت	انسجام	
مؤلفه تسهیل‌گر	• حمایت کارگزار ارشد • تخصص و دانش هوشمندی • ارتقاء جایگاه وزارتخارجه • انسجام سیاست خارجی	• تخصص و دانش • حمایت از نوآوری	• انطباق با سیاست خارجی • حمایت از دیپلماسی فن‌بنیان • حرکت در طول سیاست خارجی • ایجاد سینرژی (هم‌افزایی)	• حمایت کارگزار ارشد
مؤلفه تعدیل‌گر	• فقدان جسارت و خلافت • کنش‌های نامتعارف	• خلاء هویتی	• تأثیرگذاری فردی بر محیط دیجیتال • تکثر در دیپلماسی دیجیتال	• قوانین بازدارنده
مؤلفه ساختاری	• ساختار مستعد		• ساختار تکنوفیل	• ساختار تکنوفیل
مؤلفه کارگزار	• دیپلمات تکنوفیل • حمایت کارگزار ارشد • حرکت خزنده (دن شیائوپنگ) • خروج از انزوا (هوجینتاو) • مشارکت فعال (شی جین پینگ)	• کارگزار فنی تکنوفیل • پلورالیسم رسانه- ای (یلتسین) • استقبال از فناوری (پوتین ۲۰۰۰-۲۰۰۸) • فناوری دوستی (مدودوف ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) • جنگ اطلاعاتی با غرب (پوتین ۲۰۱۲ تاکنون)	• کارگزار تکنوفیل • همراه‌سازی افکار عمومی (بوش) • بهبود تصویر (اوباما) • رویکرد تهاجمی (ترامپ)	• کارگزار تکنوفیل



الگوی کلی دیپلماسی دیجیتال ۴ کشور به صورت اشکال ۱ تا ۴ استخراج شد. همانطور که مشاهده می‌شود مؤلفه‌های هویتی، غایی، کارگزار، ساختار، روشی، تعدیل‌گر و تسهیل‌گر مضامین اصلی استخراج شده برای هر کشور هستند. مؤلفه هویتی بیانگر مؤلفه‌هایی است که هر یک از کشورهای مورد مطالعه را در فضای دیجیتال از دیگری متمایز می‌کند. مؤلفه غایی بیانگر هدف هر کشور از به کارگیری دیپلماسی دیجیتال است. کارگزار نمایانگر تصمیم‌گیران ارشد در حاکمیت و مجریان دیپلماسی دیجیتال در سطح وزارت خارجه است که با تصمیمات، نگرش‌ها و اقدامات خود نحوه حضور و اجرای دیپلماسی دیجیتال را رقم می‌زنند. میزان پذیرش فناوری در ساختار وزارت خارجه هر کشور در مؤلفه ساختار نمایش داده شده است. مؤلفه روشی نمایانگر نحوه اجرای دیپلماسی دیجیتال و راهبردهای مربوطه است. موانع اجرای دیپلماسی دیجیتال که توانایی کشورها را کاهش می‌دهد در مؤلفه تعدیل‌گر و عواملی که اجرا و به کارگیری آن را ممکن و آسان می‌سازد تحت عنوان تسهیل‌گر دسته‌بندی شده‌اند.



شکل ۲- الگوی دیپلماسی دیجیتال روسیه



شکل ۳- الگوی دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده

اقتدارگرایی دیجیتال است. چین، سال‌هاست با فاصله گرفتن از رویکردهای ایدئولوژیک روابط و برنامه‌های خود را بر مبنای منافع تنظیم می‌کند. چین مانند روسیه به دنبال تمایز شناختی و نمایش هویتی مستقل از غرب است اما برخلاف ایالات متحده ذهنیت دیجیتال در میان سیاستمداران این کشور مقبول‌تر از ذهنیت جنگ سردی است.

مقابله با یکجانبه‌گرایی، تقویت رقابت‌پذیری، تضعیف هویت غرب و بهبود تصویر، کارکردهای اصلی دیپلماسی دیجیتال برای چین هستند. چینی‌ها ضمن تقویت جریان‌های نامعتبر در دیپلماسی دیجیتال مانند روس‌ها از طریق وضع مقررات محدودکننده به دنبال درون‌گرایی اطلاعاتی و برون‌گرایی اقتصادی هستند. آن‌ها بر خلاف روس‌ها شرکت‌های فعال در این عرصه را با در نظر گرفتن منافع‌شان به طریقی مؤثر به کار می‌گیرند و برخلاف ایالات متحده در اجرای دیپلماسی دیجیتال یکپارچگی و تمرکز دارند.

حمایت کارگزاران ارشد، تخصص و دانش، هوشمندی و ارتقاء جایگاه وزارت خارجه در دفتر مرکزی حزب کمونیست مسیر دیپلماسی دیجیتال را بسیار تسهیل کرده است. فقدان جسارت و خلاقیت در دیپلمات‌ها و کنش‌های نامتعارف، نقاط ضعف اصلی دیپلماسی دیجیتال چین هستند. ساختار وزارت خارجه چین مستعد به‌کارگیری فناوری دیجیتال بوده و کارگزاران تکنوفیل این فرآیند را تسهیل می‌کنند. رویکرد کارگزاران ارشد در دوره‌های مختلف تأثیری قابل توجه بر دیپلماسی دیجیتال چین داشته است

ب) روسیه: روسیه با پررنگ کردن تاریخ تزاری و شوروی از طریق دیپلماسی دیجیتال، خود را قدرت جهانی معرفی می‌کند. این کشور با رویکردی تهاجمی در فضای دیجیتال شناخته می‌شود. متمایزسازی هویت روسی از هویت غربی و تأثیرپذیری ماهوی از نوع رویکرد به غرب مهمترین مؤلفه‌های هویتی روسیه در فضای دیجیتال هستند. روسیه مانند چین رویکردی اقتدارگرایانه به محیط دیجیتال دارد و به دنبال تضعیف هژمونی ایالات متحده، ایجاد تمایز شناختی با غرب و نمایش هویت مستقل از آن است.

روسیه مانند چین با کمک دیپلماسی دیجیتال به دنبال تضعیف هویت غربی است اما برخلاف این کشور بیشترین انرژی را به جای بهبود تصویر به اعتبارزادایی از غرب اختصاص می‌دهد. همچنین برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تقویت روابط و توریسم (بلاغت) از این نوع دیپلماسی بهره می‌برد. جنگ اطلاعاتی، نظارت دولتی و جریان غلط اطلاعات روش‌های مختص روسیه در دیپلماسی دیجیتال هستند. روسیه مانند چین از درون‌گرایی اطلاعاتی و برون‌گرایی



اقتصادی حمایت کرده اما شرکت‌ها را وادار به پیروی از استانداردهای خود می‌کند. تخصص و دانش دیپلماسی دیجیتال کار را برای روسیه تسهیل می‌کند، در حالی که خلاء هویتی مانع جدی بهره‌گیری مثبت از این فضاست. کارگزاران دیپلماسی دیجیتال روسی تکنوفیل هستند. البته رویکردها به دیپلماسی دیجیتال در این کشور طی سال‌های قبل متفاوت بوده است.

ج) ایالات متحده آمریکا: ترویج مفاهیم حاکمیتی، ترویج ارزش‌های ادعایی لیبرال، پیشگامی در فناوری و آزادی اینترنت مؤلفه‌های هویتی دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده هستند. البته ذهنیت حاکم بر تصمیم‌گیران ارشد در ایالات متحده بر خلاف چین بیشتر جنگ سردی است. حفاظت از منافع ملی، بازدارندگی دیجیتال، توانمندسازی، پیش‌بینی رویدادها و تعیین دستور کار جهانی مهمترین کارکردهای اختصاص دیپلماسی دیجیتال برای ایالات متحده هستند. جذب و آموزش نیروی انسانی، ارتقای دیپلماسی دیجیتال، تمرکززدایی، انطباق با راهبرد امنیت ملی و توسعه مفهوم امنیت ملی مهمترین مؤلفه‌های روشی دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده هستند. دیپلماسی دیجیتال این کشور برخلاف چین دارای ویژگی عدم تمرکز و کاهش انسجام است. انطباق (دیپلماسی دیجیتال) با سیاست خارجی، حمایت از دیپلماسی فن‌بنیان، حرکت در امتداد سیاست خارجی و ایجاد سینرژی (هم‌افزایی) تسهیل کننده دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده است در حالی که تأثیرگذاری فردی بر محیط دیجیتال و تکثر (نهادهای فعال) کار را برای این کشور دشوار می‌کند. وزارت خارجه ایالات متحده ساختار و کارگزارانی تکنوفیل دارد. همچنین کارگزاران ارشد با رویکردهای متفاوت در گذر زمان بر نوع رویکرد دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده موثر بوده‌اند.

د) بریتانیا: آزادی اینترنت، گشودگی و شفافیت، تصویر مطلوب و اثرگذاری، مؤلفه‌های هویتی دیپلماسی دیجیتال بریتانیا هستند. اثربخشی سیاست خارجی و ارائه خدمات مؤثر مهمترین کارکردهای دیپلماسی دیجیتال برای بریتانیا هستند. جذب و آموزش نیروی انسانی، انگیزش و تشویق کارکنان، تخصص‌گرایی، ارزیابی، بهبود مستمر، نظارت مستمر و کاهش موانع مؤلفه‌های روشی بریتانیا را شکل می‌دهند. حمایت کارگزاران ارشد، دیپلماسی دیجیتال بریتانیا را تسهیل، اما وجود قوانین بازدارنده در سطوح ملی و بین‌المللی موانعی برای دیپلماسی دیجیتال این کشور ایجاد می‌کند. ساختار و کارگزار در وزارت خارجه بریتانیا تکنوفیل بوده و اثرگذاری فردی دیده نشده است.

مدیریت فضای اطلاعاتی، ترویج گفتمان خود و تضعیف رقبا کارکردهای مشترک دیپلماسی دیجیتال برای هر چهار کشور هستند.

از سوی دیگر مجموعه مفاهیم استخراج شده از ادبیات پژوهش حوزه دیپلماسی دیجیتال را می‌توان ذیل ۵ دسته مفهومی اصلی دسته‌بندی کرد و الگوها و مضامین دیپلماسی ۴ کشور بررسی شده را ذیل آنها تحلیل کرد. این ۵ مفهوم عبارتند از: مفاهیم سازه‌انگاران، مؤلفه‌های مؤثر بر دیپلماسی دیجیتال، مزایای دیپلماسی دیجیتال، معایب دیپلماسی دیجیتال و تفاوت‌های ارتباطات دیپلماتیک سنتی و ارتباطات دیجیتال.

در دسته مفهومی سازه‌انگاری مؤلفه‌های هویت و ساختار - کارگزار (معینی‌علمداری و راسخی ۱۳۸۹) هم در پیشینه پژوهش و هم در مدل استخراج شده از ادبیات پژوهش وجود دارند، اما مؤلفه‌هایی مانند انگاره‌ها در الگوی استخراجی این پژوهش، برای کشورها ارائه نشده است. در میان این مؤلفه‌ها، مؤلفه ارزشی برای آمریکا برجسته است. مؤلفه توانمندسازی صداهای به حاشیه رفته و گروه‌های فاقد قدرت (Jayatilaka, 2020) در ادبیات پژوهش نیز مطرح شده است. توانمندسازی در ادبیات پژوهش به این معنی است که افراد و گروه‌هایی که پیش از این در اقلیت بوده‌اند مانند زنان، اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و جنسیتی هم می‌توانند صدای خود را از طریق دیپلماسی دیجیتال به گوش دیگران برسانند و به‌نوعی بر شکاف قدرت غلبه کنند؛ اما هدف کشورهای مورد مطالعه از توانمندسازی، قدرت بخشی و تقویت صداهای مخالف در کشورهای رقیب و تضعیف دیگری^۱ است.

در دسته مفهومی مؤلفه‌های مؤثر بر دیپلماسی دیجیتال، نقش مقامات و تصمیم‌گیران ارشد (کارگزاران ارشد) (Marczuk, 2020) در هر دو مدل برجسته و قابل توجه است. برای مثال رویکرد چین به دیپلماسی و دیپلماسی دیجیتال در دوران شی جی پینگ کاملاً متفاوت و تهاجمی‌تر از دن شیائوپنگ است، بدینی پوتین به رسانه‌ها در تناقض با فناوری‌دوستی مدودوف بوده و راه را برای شرکت‌های فناوری دشوار کرد و یا اقدامات خودسرانه ترامپ در توییتر که سیاست خارجی ایالات متحده را با مسائل متعددی مواجه کرده بود.

رویکردهای اقتدارگرایانه و آزادی اینترنت ناظر به نوع نگاه کشورها به مخاطبان و کاربران دیپلماسی دیجیتال (Marczuk, 2020) است. چین با برنامه‌ریزی دقیق، اتصال به شبکه جهانی اینترنت را مدیریت و دسترسی به پلتفرم‌هایی (سکوهایی) مانند توییتر را محدود کرده است.



روسیه نیز تلاش‌هایی در این زمینه داشته اما به اندازه چین موفق نبوده است. در حالی که ایالات متحده آمریکا و بریتانیا آزادی اینترنت و دسترسی به اطلاعات را شعار خود قرار داده‌اند. دیپلمات‌های ایالات متحده و چین برای پیش‌بینی رویدادهای آتی همتایان خود را دنبال^۱ می‌کنند (Manor and Pamment, 2019).

در دسته مفهومی مزایای دیپلماسی دیجیتال، دو مؤلفه بهبود عملکرد و تعیین دستور کار جهانی (cull, 2013) احصاء شده که در الگوی ایالات متحده هم مورد توجه بوده است. پیشگامی در فناوری برای ایالات متحده ابزار پیش‌بینی رویدادهای آتی و تعیین دستور کار جهانی است. در دسته مفهومی معایب دیپلماسی دیجیتال تقویت حاکمیت دولت در فضای دیجیتال (Tufekci, 2017)، ایجاد دیوار آتش^۲ پیرامون بحث‌های سیاسی توسط دولت‌ها (Castells, 2009) و اطلاعات غلط (Collins and Bekenova, 2019) مواردی هستند که در کشورهایی مانند چین و روسیه که به دنبال اقتدارگرایی دیجیتال هستند، دیده می‌شوند. همچنین سلاح‌سازی رسانه‌های اجتماعی (کلینتون، ۲۰۱۱) علیه دیگران و تقویت صداهای مخالف چیزی است که در الگوی استخراج شده تحت عنوان توانمندسازی مفهوم‌بندی شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش لمکه و هابگر^۳ (۲۰۲۰) با عنوان «دیپلمات یا ترول؟ موردی علیه دیپلماسی دیجیتال»^۴ منطق ارتباطات دیجیتال، دستیابی به رضایت و برانگیختگی عاطفی است. روسیه با درک این منطق توانسته با راه‌اندازی کمپین‌های جریان سوء اطلاعات، در میان مخاطبان غربی سردرگمی شناختی و قطب‌بندی سیاسی (Collins and Bekenova, 2019) ایجاد کرده و آن‌ها را به ارزش‌های غربی بدبین کند.

نتیجه‌گیری

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد غالب تحقیقات انجام شده در زمینه دیپلماسی دیجیتال بر ارائه نمونه‌هایی از کاربست‌های دیپلماسی دیجیتال یا بررسی کمی اقدامات کشورهای گوناگون در شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی متمرکز هستند. در این پژوهش برای نخستین بار الگوی دیپلماسی دیجیتال ۴ کشور با رویکرد تطبیقی استخراج و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها احصاء شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد:

1. Follow
2. Fire wall
3. Lemke and Habagger
4. Diplomat or Troll? The case against digital diplomacy

چین و روسیه به‌عنوان دو کشور تجدیدنظرطلب به‌دنبال تضعیف نظم لیبرال و غلبه بر جریان یک‌جانبه‌گرایی هستند. بنابراین، همه مؤلفه‌های هویتی خود را بر مبنای همین اصل شکل می‌دهند. مقابله با هژمونی ایالات‌متحده، ایجاد تمایز شناختی با غرب و نمایش هویت مستقل از غرب سه مؤلفه هویتی مشترک میان چین و روسیه هستند. آن‌ها همچنین با تعیین مقررات و محدودیت‌های داخلی برای فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی مروج گفتمان اقتدارگرایی دیجیتال هستند. چین می‌خواهد به‌عنوان قدرتی هوشمند شناخته شود اما هدف روسیه کسب شناسایی به‌عنوان قدرتی جهانی است.

در مقابل ایالات‌متحده به‌عنوان حافظ و مروج اصلی نظم لیبرال تلاش دارد ارزش‌های لیبرال را به‌عنوان بخشی از هویت خود اشاعه داده و همراه با بریتانیا گفتمان آزادی اینترنت را ترویج کند. از سوی دیگر ذهنیت حاکم بر سیاست‌مداران ایالات‌متحده بیشتر متأثر از جنگ سرد و ذهنیت حاکم بر چین دیجیتالی است. بنابراین، رقابت برای چینی‌ها در فضای دیجیتال اولوی بالاتر دارد در حالی که ایالات‌متحده بیشتر به دنبال برتری ژئوپلیتیک است. هدف مشترک چین و روسیه تضعیف هویت غرب است. هدف دیگر چین از دیپلماسی دیجیتال بهبود تصور از خود است در حالی که روسیه هدف اصلی خود را اعتبارزدایی از غرب قرار داده و رویکردی تهاجمی برای دستیابی به این مقصود برگزیده است.

علی‌رغم تفاوت‌های ماهوی، مواردی مانند مدیریت فضای اطلاعاتی، ترویج گفتمان و تضعیف رقبا هدف مشترک هر ۴ کشور مورد مطالعه در فضای دیجیتال است. همچنین چین و ایالات‌متحده از دیپلماسی دیجیتال برای پیش‌بینی رویدادهای آتی هم استفاده می‌کنند. روش مشترک دو کشور چین و روسیه درون‌گرایی اطلاعاتی و برون‌گرایی اقتصادی است. آن‌ها می‌خواهند از فضای فرهنگی و حاکمیت سیاسی کشورهای خود در برابر جریان اطلاعاتی غرب محافظت کرده و حدی از ایمنی را ایجاد کنند اما در عین حال سهم منصفانه‌ای از بازار تجارت و اقتصاد دیجیتال را برای خود به دست آورند. در حالی که چین با در نظر گرفتن منافع شرکت‌ها و برآورده کردن منافعشان آن‌ها را به طور مؤثر به کار می‌گیرد اما روسیه شرکت‌ها را ملزم به تأمین منافع خود می‌کند.

یکپارچگی و تمرکز روش چین برای اجرای دیپلماسی دیجیتال است. این کشور از طریق وزارت امور خارجه خط و مشی همه سفارت‌خانه‌ها و سفرا را تعیین می‌کند، در حالی که مشخصه



دیپلماسی دیجیتال ایالات متحده عدم تمرکز و کاهش انسجام است. البته مزیت این روش اعطای خودمختاری و افزایش ابتکارات کارگزاران دیپلماسی دیجیتال از جمله سفر است.

مؤلفه مشترک در کارگزاران دیپلماسی دیجیتال هر ۴ چهار کشور تکنوفیل بودن و علاقه‌مندی آن‌ها به فناوری است. باید توجه داشت در کشورهای چین (نظام تک‌حزبی)، روسیه (فدراتیو) و ایالات متحده (فدرال) رویکرد کارگزاران ارشد نقش برجسته‌ای در قوام دیپلماسی دیجیتال آن‌ها دارد. در حالی که راهبرد دیجیتال بریتانیا از ابتدا بر انتخاب کارگزاران علاقه‌مند و قهرمانان تغییر^۱ استوار شده است.

برای مثال رویکرد تهاجمی چین از زمان شی جی پینگ؛ رئیس‌جمهور کنونی چین بسیار قابل توجه است. نمونه مشخص آن در دیپلماسی دیجیتال اتخاذ مواضع تهاجمی دیپلمات‌های چین در زمان پاندمی کرونا و پاسخ به اتهامات علیه این کشور بود. این رویکرد دیپلمات‌های چینی با نام جنگجوی گرگ^۲ شناخته می‌شود.

وزارت خارجه دو کشور ایالات متحده و بریتانیا ساختارهایی پذیرای فناوری دارند و ساختار وزارت خارجه چین مستعد دیپلماسی دیجیتال است اما پژوهش‌ها کمتر به رابطه بین ساختار و دیپلماسی دیجیتال در روسیه پرداخته‌اند. ایالات متحده پیشگام مفهوم‌سازی و استفاده از فناوری دیجیتال در امور خارجه است.

هر کدام از کشورها مؤلفه‌های تسهیل‌گر و تعدیل‌گر منحصر به خود را دارند. مهمترین مؤلفه تعدیل‌گر در دیپلماسی دیجیتال روسیه خلاء هویتی و عدم‌توافق جمعی بر مؤلفه‌های هویتی مشترک میان مردم است. این کشور پس از فروپاشی هنوز نتوانسته دستاوردی چشمگیر داشته باشد که مورد توافق همه مردم بوده و اشتراک هویتی میان آن‌ها ایجاد کند. به همین دلیل کارگزاران ارشد در این کشور برای ایجاد وفاق جمعی در این زمینه بر دستاوردهای دوران شوروی و تزاری بسیار تأکید دارند.

پیشگامی در فناوری و استقبال از نوآوری در دیپلماسی یکی از ویژگی‌های اصلی دیپلماسی دیجیتال وزارت خارجه ایالات متحده است که این کشور را در قیاس با رقبای توانمندتر می‌کند و بخشی از هویت سیاست خارجی این کشور شده است.

1. Change champions 2. Wolf Warrior

قهرمانان تغییر اعضای از سازمان هستند که برای اعمال تغییر داوطلب شده یا برای کمک به فرآیند اجرای تغییرات انتخاب می‌شوند. نکته حائز اهمیت این است که این افراد به تغییر اعتقاد داشته باشند، آن را درک کنند و از آن حمایت کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

- با توجه به اهمیت و تازگی موضوع دیپلماسی دیجیتال پیشنهاد می‌شود:
- شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما با تقویت منابع و ابزارهای دیپلماسی دیجیتال، از ظرفیت‌های این حوزه در تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری بیشتری کنند.
 - برنامه‌ای درباره سیر تطور دیپلماسی و انواع آن تولید و پخش شود. در این برنامه به مزایا و معایب گونه‌های دیپلماسی سنتی و دیپلماسی‌های نوین پرداخته شود.
 - پیشنهاد می‌شود شبکه پرس‌تی‌وی در مستندی به رویکرد دوگانه شرکت‌های گرداننده شبکه‌های اجتماعی نظیر «متا» در پیش‌برد یا اخلال در دیپلماسی دیجیتال کشورهای همسو یا منتقد سیاست‌های آمریکا پردازد.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی

- شناسایی الگوی دیپلماسی دیجیتال کشورهای گوناگون کمک می‌کند اصول، روش‌ها و اهداف آن‌ها برای کاربست دیپلماسی دیجیتال با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی و حداکثرسازی منافع ملی مشخص می‌شود. بنابراین، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:
- پژوهشگران تدوین مدل یکپارچه دیپلماسی دیجیتال ایران بر اساس اسناد بالادستی و اهداف و اصول سیاست خارجی را به‌عنوان موضوعی جدی و میان‌دستگاهی در دستور کار خود قرار دهند.
 - با عنایت به اثرگذاری مستقیم اقدامات رسانه‌های دولتی در قدرت سیاست خارجی کشورها، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به نقش رسانه ملی و به‌ویژه معاونت برون‌مرزی آن در تقویت دیپلماسی دیجیتال کشور پرداخته شود.
 - چالش‌ها و راهکارهای هم‌افزایی وزارت امور خارجه و صداوسیما در عرصه دیپلماسی دیجیتال مورد مطالعاتی مناسبی است.
 - پژوهشی در خصوص انواع دیپلماسی دیجیتال و وجوه افتراق و اشتراک و میزان تناسب آنها با وجوه دیپلماسی مبتنی بر سایر انجام شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۲)، «رابطه هویت و منافع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تکیه بر رویکرد سازه‌انگاری»، **فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، سال ۵، شماره ۱۵، صص ۴۷-۷۱.

جوادی ارجمند، محمدجعفر و چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۹)، «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۳۹-۵۹.

حق‌شناس گرگابی، محمد و نرگسیان، عباس (۱۳۹۶)، «شناسایی دلایل مداخلات خطمشی- اداره در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: رابطه قوای مجریه و مقننه ۱۳۹۲-۱۳۸۸)»، **فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی**، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۶۶-۱۵۱.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام و عسگری، امیرحسین (۱۳۹۵)، «بررسی جهت‌گیری تجدیدنظرطلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴)»، **فصلنامه سیاست خارجی**، دوره ۳۰، شماره ۴، صص ۱۵۰-۱۲۱.

رضان‌زاده، عبدالله و جوکار، محمدصادق (۱۳۸۹)، «هویت از منظر سازه‌انگاران متعارف و رادیکال»، **فصلنامه سیاست**، سال ۴۰، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۳۳.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران: سمت.

متقی، ابراهیم، کاظمی، حجت (۱۳۸۶)، «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، سال ۳۷، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.

معینی‌علمداری، جهانگیر و راسخی، عبدالله (۱۳۸۹)، «روش‌شناسی سازه‌انگاری در حوزه روابط بین‌الملل»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، سال ۴، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۸۳.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن، رضاپور، داود (۱۴۰۱)، «دیپلماسی توییتری: مقایسه عملکرد حساب کاربری سفیر چین در تهران و حساب کاربری فارسی وزارت خارجه آمریکا در زمینه شبکه‌سازی»، **مطالعات رسانه‌های نوین**، سال ۴، شماره ۱۳.

عاملی، سیدحامد، خرازی‌آذر، رها، مظفری، افسانه (۱۳۹۶)، «نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **راهبرد اجتماعی فرهنگی**، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۵۳-۱۷۶.



- Adesina, Olanrewaju (2017), "Foreign policy in an era of digital diplomacy", **Cogent Social Sciences**, 3(1), 1–15.
- Ashworth, L. M. (2002), "Did the realist-idealist great debate really happen? A revisionist history of international relations", **International Relations**, 16(1), 33-51.
- Bjola, Corneliu. Holmes, M. (Eds.) (2015), **Digital Diplomacy: Theory and practice** (1st ed.). Routledge.
- Bjola, Corneliu. Papadakis, Krysianna (2020), "Digital propaganda, counter publics and the disruption of the public sphere: The Finnish approach to building digital resilience". **Cambridge Review of International Affairs**. 33. 1-29.
- Bjola, Corneliu (2020), "Diplomacy in the Age of Artificial Intelligence." In: EDA Working Paper. **Abu Dhabi: Emirates Diplomatic Academy**, 1-47.
- Braun, Virginia. Clarke, Victoria (2006), "Using thematic analysis in psychology". **Qualitative Research in Psychology**, 3(2), 77–101.
- Collins, Neil. Bekenova, Kristina (2019), "Digital diplomacy: success at your fingertips, Place Branding and Public Diplomacy", **Palgrave Macmillan**, 15(1), 1-11.
- Cull, Nicholas John (2013), "The Long Road to Public Diplomacy 2.0: The Internet in US Public Diplomacy", **International Studies Review**, 15(1), 123–139
- Cull, Nicholas John (2019), **Public Diplomacy: Foundations for Global Engagement in the Digital Age**. Cambridge: Polity Press,
- DiCicco, Jonathan M. Sanchez, Victor M (2021), "Revisionism in International Relations", **Oxford Encyclopedia of International Studies**.
- Digital Diplomacy Index (2020), Available at: <https://digital-diplomacy-index.com>
- Hallams, Ellen (2010), "Digital Diplomacy: The Internet, the Battle for Ideas and US foreign policy", **CEU Political Science Journal**, 5(4), 538-574.
- Hopf, Ted (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", **International Security** 23 (1), 171-200
- Ittefaq, Muhammad (2019), "Digital Diplomacy via Social Networks: A Cross-National Analysis of Governmental Usage of Facebook and Twitter for Digital Engagement", **Journal of Contemporary Eastern Asia**, 18(1), 49–69.
- Jayatilaka, Gihan Chanaka (2020), "The Effects of Digital Diplomacy on International Relations: Lessons for Sri Lanka", **Policy Briefs Series: No.23**
- Justinek, Gorazd & Carli, Sabina & Omahna, Ingrid (2019), "Digital Diplomacy in Practice: A Case Study of the Western Balkan Countries". 13(2), 187-202
- Kampf, Ronit. Manor, Ilan. Segev, Elad (2015), "Digital Diplomacy 2.0? A Cross-national Comparison of Public Engagement in Facebook and Twitter", **The Hague Journal of Diplomacy**, 10(4), 331-362
- King, Nigel. Horrocks, Christine (2010), **Interviews in qualitative research**. London: Sage.



- Lemke, Tobias. Habegger Michael (2020), "Diplomat or Troll? The case against digital diplomacy In Corneliu Bjola, Ruben Zaiotti" (Eds.), **Digital Diplomacy and International Organisations**, 229-266
- Manor, Ilan. Holmes, Marcus (2018), "Palestine in Hebrew: Overcoming the Limitations of Traditional Diplomacy", **Revista Mexicana de Política Exterior** 113 (May-August), 163-183
- Manor, Ilan. Pamment, James (2019), "towards prestige mobility? Diplomatic prestige and digital diplomacy", **Cambridge Review of International Affairs**. 32. 1-32.
- Manor, I., & Segev, E (2019), "Social Media Mobility: Leveraging Twitter Networks in Online Diplomacy", **Global Policy**, 11(2). 1-15.
- Manor, Ilan (2020), "The Russians are Laughing! The Russians are Laughing! How Russian Diplomats Employ Humour in Online Public Diplomacy", **Global Society**. 35.
- Manor, Ilan (2019), "the Digitalization of Public Diplomacy", **Cham, Switzerland: Palgrave Macmillan**.
- Marczuk, Karina (2020), "Modern Diplomats as Civil Servants: Capabilities, Competencies, and Education – A Case Study of the Foreign Service in Poland" (The Palgrave Handbook of the Public Servant).
- Metzgar, Emily (2012), "Is it the medium or the message social media american public diplomacy", **Global Media Journal**, 11: 21.
- Melissen, Jan (2005), **The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations**, New York: Palgrave Mac Millan.
- Kreuter, Judith (2021), Ideas and Objects, Meaning and Causation—Frame Analysis from a Modernist Social Constructivism Perspective. In: Climate Engineering as an Instance of Politicization. Springer Climate. Springer, Cham.
- Onuf, Nicholas Greenwood (1989), "**world of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations**", Colombia: university of South Carolina Press.
- Price, Richard. Reus- Smith, Chris. (1998), "Critical International Theory and Constructive." **European Journal of International Relations**, 4,3.
- Puri, Samir (2017), "The Strategic Hedging of Iran, Russia, and China: Juxtaposing Participation in the Global System with Regional Revisionism", **Journal of Global Security Studies**. ۳۲۳-۳۰۷ .۲ .
- Stent, Angela (2020), Russia and China: Axis of revisionists? Report for brookings institution
- Turner, Oliver. Nymalm, Nicola (2019), "Morality and progress: IR narratives on international revisionism and the status quo". **Cambridge Review of International Affairs**, 32: 4
- Verrekia, Bridget, (2017), "Digital Diplomacy and Its Effect on International Relations", **Independent Study Project (ISP) Collection**.

- Tsvetkova, Natalia (2020), Russian Digital Diplomacy: A Rising Cyber Soft Power? In: Velikaya A., Simons G. (eds) Russia's Public Diplomacy. Studies in Diplomacy and International Relations. Palgrave Macmillan, Cham
- Voicu, Nicoleta (2020), "Digital Diplomacy. A New Micro-Sphere of Public Communication", **Postmodern Openings**, 11(3), 160-176
- Xuetong, Yan (2020), "Bipolar Rivalry in the Early Digital Age", **The Chinese Journal of International Politics**, Volume 13, Issue 3, Autumn, 313-341
- Zuboff, Shoshana (2019), **The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power**, New York: PublicAffairs.
- Zwarts. Hendrik, Du Toit. Jaco, Von Solms. Basie (2022), A Cyber-Diplomacy and Cybersecurity Awareness Framework (CDAF) for Developing Countries, **Proceedings of the 21st European Conference on Cyber Warfare and Security**, Vol. 21 No. 1